

ادب پهلوانی و کاربرد آن در آموزش تاریخ (بررسی موردی سه متن ادب پهلوانی)^۱

کوروش فتحی^۲

چکیده

آموزش و تدریس تاریخ با توجه به ضرورت‌ها و تحولات اجتماعی نیازمند بهره‌گیری از منابع و شیوه‌های متنوعی می‌باشد و ادب پهلوانی یکی از این عرصه‌ها است. ادب پهلوانی بخشی از ادبیات عامه است. ادب عامه شامل طیف وسیعی از دانش‌ها و معارف عامه از جمله قصه‌ها، افسانه‌ها، مثل‌ها و معماها است. ادبیات عامه ماهیتی میان رشته‌ای دارد و در پیوند مستقیم با دانش و علوم مختلف از جمله تاریخ می‌باشد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌ها است: متون ادب پهلوانی چه کاربردی در آموزش تاریخ دارد؟ چگونه می‌توان با استفاده از ادب پهلوانی تدریس موثری در درس تاریخ داشت؟ روش پژوهش، روش تاریخی و به شیوه توصیفی - تحلیلی می‌باشد. سه متن ادب عیاری شامل سمک عیار، حسین کرد شبستری و امیر ارسلان نامدار، که از نظر اطلاعات تاریخی و اجتماعی، ظرفیت بالایی در تدریس تاریخ دارند، بررسی شده و یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که متون ادب پهلوانی به دلیل ماهیت ساده و صریح و جذابیت شنیداری، می‌تواند در تعمیق آموخته‌های تاریخی و علاقمندی فراگیران به درس تاریخ مؤثر باشد. روش‌های ایفای نقش، پروژه محور، منبع محور، نقالی و روایتگری سنتی از جمله شیوه‌های است که با استفاده از متون ادب پهلوانی می‌توان در تدریس تاریخ از آن سود برد.

واژه‌های کلیدی: ادب پهلوانی، آموزش تاریخ، سمک عیار، حسین کرد شبستری، امیر ارسلان نامدار.

۱. مقدمه

علم تاریخ با تدریس تاریخ تفاوت دارد. چه بسا تاریخدانی در علم تاریخ و کشف روابط علی- معلولی و تحلیل و تبیین وقایع تاریخی موفق باشد اما در آموزش تاریخ چندان توفیقی نداشته باشد. امروزه آموزش و تدریس تاریخ از بیان صرف وقایع تاریخی به ویژه تاریخ سیاسی فاصله گرفته و عرصه‌های جدیدی را می‌آزماید. توجه به ارزشمندی روایت‌گری سنتی در تدریس تاریخ و توجه به تاریخ اجتماعی، تاریخ فرهنگی و به ویژه تاریخ فردوستان از جمله این عرصه‌ها است که موجب بالا رفتن ظرفیت، پویایی و آزادی عمل در آموزش تاریخ می‌شود. این امر سبب می‌شود تا مشکلات اصلی تدریس تاریخ مانند بی‌میلی فراگیران نسبت به مباحث تاریخی و کسالت- بار بودن و دوری از جنبه‌های ذوقی تدریس، کاهش یابد.

روایت‌گری سنتی غالباً مبتنی بر دو وجه روایتگر و متن است. نقالان، گوسان‌ها، خنیاگران، درویش دوره‌گرد، روضه‌خوانان، مناقب‌خوانان، شعرا، قصه‌خوانان، شبیه‌خوانان، بخشی‌ها و دفترخوانان از جمله مهم‌ترین روایت‌گران سنتی بودند که بررسی عملکرد آنان در روایت تاریخ موضوع این مقاله نیست. روایت‌گران سنتی غالباً از متون ادبیات عامه و ادب پهلوانی که از بخش‌های مهم آن است سود می‌بردند. ادبیات عامه موضوع بسیار وسیع و عمیقی است که از ظرفیت‌های آن می‌توان برای تدوین یک طرح آموزشی پویا و فعال در تدریس تاریخ استفاده کرد. امروزه نظام تعلیم و تربیت هزینه مادی، وقت و نیروی انسانی زیادی را صرف دروسی مانند تاریخ می‌کند تا از آن در توسعه فرهنگ عمومی، آموزش‌های همگانی، تربیت شهروند مطلوب، ایجاد و تحکیم هویت ملی و دینی استفاده کند، بنابراین جا دارد به ادبیات عامه و ادب پهلوانی، که وجه تاریخی برجسته‌ای دارند، توجه بیشتری شود. مسأله پژوهش حاضر این است که متون ادب پهلوانی چه کاربردی در آموزش تاریخ دارد؟ و چگونه می‌توان با استفاده از آن تدریس مؤثری در درس تاریخ داشت؟ تأکید اصلی مقاله بر سه متن **سمک عیار**، **حسین کرد شبستری** و **امیرارسلان نامدار** می‌باشد. این سه اثر در میان طیف بسیار متنوع ادب پهلوانی از نظر اطلاعات تاریخی و اجتماعی و ظرفیت بالای آن در تدریس تاریخ مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متون ادب پهلوانی که بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و انسانی تأکید دارد، می‌تواند در ارائه یک تدریس پویا در درس تاریخ مؤثر باشد. معلم تاریخ با به کارگرفتن شیوه تدریس مناسب مانند روش ایفای نقش، روایت‌گری و پروژه محوری می‌تواند از این متون بهره گرفته و تدریس مؤثری داشته باشد.

۱-۲. پیشینه تحقیق

اگرچه در مورد دو بخش اصلی مقاله یعنی ادب پهلوانی و آموزش تاریخ به صورت جدا از هم پژوهش‌های زیادی انجام شده است، اما در مورد موضوع مقاله و سؤال پژوهش، تحقیق مستقل و جامعی انجام نشده است. دکتر خیراندیش در مقاله «**روایت‌گری سنتی تاریخ در جامعه ایرانی و امکان بهره‌گیری از آن در آموزش تاریخ**» در مورد شیوه‌های روایت‌گری سنتی در ایران و ظرفیت آن در آموزش تاریخ صحبت کرده است. «**نقش و کاربرد قصه در ادب فارسی**» مقاله‌ای از ژاله آموزگار است که نگاهی عمومی به مقوله قصه و جایگاه آن در ادبیات فارسی دارد و با تقسیم بندی‌های مطلوب، این بخش ادبیات عامه را تبیین نموده است. جعفرپور و علوی مقدم در مقاله «**ساختار بن مایه های داستانی امیر ارسلان**» دو عامل تکرار و برانگیزندگی را اصلی‌ترین بن مایه داستان امیرارسلان نامدار دانسته و تاثیرپذیری از شاهنامه فردوسی را ویژگی اصلی این اثر می‌داند. تکرار عنصر بنیادی داستان حسین کرد شبستری، نتیجه‌ای است که آتش سودا از تحقیق خود با عنوان «**بررسی ساخت داستان عامیانه حسین کرد شبستری**» می‌گیرد.

۲. مبانی نظری پژوهش

تأثیر ارزش‌های گروه‌های اجتماعی بر رفتارها و توجه به علائق گروه‌های اجتماعی خاص در سرزمین یا دوره‌ای تاریخی به عنوان رویکردی مؤثر در آموزش تاریخ، امروزه مورد توجه علمای تعلیم و تربیت است. پهلوانان و در عبارتی کلی‌تر عیاران، از گروه‌های مهم و تأثیرگذار در تاریخ ایران بودند. کنش‌های آنان در زندگی اجتماعی ایرانیان موضوع کتب متعددی بوده که غالب آنها را تحت عنوان فولکلور یا ادبیات عامیانه دسته بندی نموده اند. فولکلور علم به آداب و رسوم توده مردم و افسانه‌ها و تصنیف‌های عامیانه یا دانش توده شناسی تعریف شده است (معین، ۱۳۸۶: ۲/ ۱۱۹۹). موضوع فولکلور پرداختن به جنبه‌های سنتی جامعه یعنی شیوه‌های اعمال، رفتار، عادات و باورهای سنتی است بنابراین در فرهنگ عامه‌شناسی، سنت یک واژه بنیادی است که این دانش را از دانش‌های دیگر متمایز می‌سازد (فاضلی، ۱۳۸۰: ۳۳). فولکلور شامل طیف وسیعی از دانش‌ها و معارف عامه از جمله قصه‌ها، افسانه‌ها، آوازها، ترانه‌ها، مثل‌ها، معماها، متلک‌ها، سنت‌های شفاهی، اعتقادات و اوهام، پیشگویی راجع به وقت، نجوم، تاریخ طبیعی، گاهنامه، زندگی عمومی و حتی تمامی پیشه‌ها و فنون می‌شود (هدایت، ۱۳۷۸: ۲۳۴).

روشنگری فرهنگ عامه در عرصه تاریخ بیش از میدان ادب است. در تاریخ ایران که همواره شاهان بر آن حکومت کرده‌اند، هر شاه برای خود درباری داشت و مؤرخان زیادی در دربار آنان حضور داشته و کتاب‌های تاریخ متعددی در مورد دوران فرمانروایی و اعمال آنان نوشته‌اند. حتی برخی از آنان مانند بیهقی دقت در جزئیات را به حد اعلا رسانده و روز و ساعت رویدادها را ثبت کرده‌اند. با اینحال این منابع و آثار در مورد بسیاری از مظاهر زندگی اجتماعی، روابط اجتماعی، آداب و رسوم و علائق مردم زمان خود آگاهی اندکی به ما می‌دهند. زیرا برای مورخان این مسائل روزمره ارزش چندانی برای ثبت نداشته و یا اربابان قدرت اساساً چنین جزئیاتی را از آنان نمی‌خواستند (محبوب، ۱۳۸۷: ۶۴). ادبیات عامه در قالب داستان، افسانه، حکایت، شعر و مثل، این ناگفته‌ها را بیان کرده است. شرح جزئیات آداب و احوال روزمره در ادب عامه برای بازسازی صحنه‌ها و شیوه زندگی مردم در گذر زمان اهمیت زیادی دارد. مثلاً در داستان سمک عیار، نویسنده به دقت تمام آداب دربار را باز آفرینی نموده و ما را از بسیاری آداب و رسوم آن روزگار آگاه ساخته و در حقیقت تاریخ را تکمیل کرده است.

ویژگی دیگر ادبیات عامه، زبان آن است. این زبان، همان زبان گفتاری مردم است که پیشینیان به آن «زبان اهل سوق» می‌گفتند. همان زبان زنده‌ای که مردم در بازارها و گذرها از آن به عنوان وسیله ارتباط استفاده می‌کردند. این ویژگی در آن دسته از متن‌های شفاهی که به نگارش در آمده‌اند، کاملاً حفظ شده است. در این متن‌ها، جمله‌ها ساده، کوتاه و گاه بریده بریده است. اغلب در آن واژه‌ها و گاه فعل‌ها تکرار می‌شود. تعبیرهای مجازی که در آن به کار می‌رود، دور از ذهن و پیچیده نیست و در همان حدی است که مردم عادی، هنگام گفتگو اغلب به صورت کنایه یا ضرب‌المثل به کار می‌برند (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۶۱). نثر عامیانه بیشتر جنبه عاطفی و تخیلی داشته و این امر در جذابیت شنیداری آن تأثیر زیادی دارد.

داستان‌های عامه، آئینه‌ای هستند که زندگی توده مردم را با همه ابعاد آشکار و پنهانش در خود منعکس می‌کنند. در داستان‌های عامه می‌توان آرزوها و آرمان‌های بشر، نیازها و خواسته‌ها، ترس‌ها و امیدها، باورها، اعتقادات و کنش سیاسی توده‌ها و در یک کلام فرهنگ جامعه را بی هیچ نقابی مشاهده کرد. این رویکرد ملهم از مکتب آنال و انسان‌شناسی فرهنگی است (پورت، ۱۳۹۷: ۴۲). تمرکز بر روی روایت‌های شنیدنی مردم فرودست در واقع ابزاری برای شناخت موضوعات بزرگتر است (Lepore, 2001: 144). به گونه‌ای که می‌توان با آن به لایه‌های پنهان و مورد غفلت واقع شده جامعه، به ویژه گروه‌های فرودست جامعه، پی برد.

ادب پهلوانی از بخش‌های ادبیات عامه هستند. به عقیده محققان افسانه‌های عیاری با ادب پهلوانی منشأ واحدی دارند. مثلاً در داستان سمک، دو مفهوم پهلوان و عیار یکی دانسته شده اند (مؤذن جامی، ۱۳۸۸: ۳۲۵). ادب پهلوانی، دلالت بر آداب و اخلاق گروه‌های اجتماعی پای‌بند به اصول جوانمردی و دادستانی از ظالمان دارد، البته شکل منفی رفتاری مبتنی بر راهزنی و طراری را نیز شامل می‌شود. در متون پهلوانی غالباً تأکید بیشتر بر حوادث خارق‌العاده است تا تکوین و تحوّل شخصیت‌ها. محور این داستان‌ها بیشتر حوادث خلق الساعه و گاه محیرالعقول است و اشخاص معمولاً چندان از حوادث تأثیر نمی‌پذیرند. این داستان‌ها بیشتر پی رنگ ضعیفی دارند که از روابط منطقی علی و معلولی تبعیت نمی‌کند، جزئیات معمولاً در آن‌ها ذکر نمی‌شود، بیشتر از نثر ادیبانه به دورند (زیرا مبتنی بر نقل شفاهی‌اند) ساختاری ساده و خطی دارند، حوادث و شخصیت‌های آن یا سفیدند یا سیاه. در این روایت‌ها بیشتر با قهرمان یا ضد قهرمانی مواجه‌ایم که نمادی کلی از تیپ‌های کلی مردم جامعه‌اند و شخصیت‌پردازی نمی‌شوند. بیشتر به پایان نیک می‌رسد و قهرمان «سال‌های سال به خوبی و خوشی زندگی می‌کند و ضدقهرمان به سزای اعمال ناشایست خویش می‌رسد» (شریف‌نسب، ۱۳۹۴: ۲).

یکی از گروه‌های اجتماعی مهم، که غالباً در تواریخ و ادبیات رسمی کمتر مورد توجه قرار گرفته، زنان هستند. زن در ادب پهلوانی، برخلاف تواریخ رسمی، حضوری مؤثر و سازنده دارد. زنان در اندیشه‌ورزی، عشق، عیاری و پهلوانی حضوری تأثیرگذار دارند. «جوانمردی از آن جوانمردان است و اگر زنی کند، مرد آنست» (الارجانی، ۱۳۶۱: ۱/ ۴۸). تصویر زن در ادبیات عامه واقع‌بینانه است. زنان در طبقات فرودین جامعه، در فعالیت‌های روزمره زندگی، نقشی فعال‌تر از زنان اشراف دارند و مردانشان این حضور را بیشتر می‌بینند و فقط زیبایی و تجملات آن‌ها برای مردان کافی نیست بلکه به هنر و کاردانی زنان نیاز بیشتری دارند (کریمی و حسام‌پور، ۱۳۸۴: ۱۲۴). زن در ادب عیاری حتی در مورد ازدواجش اختیار کامل دارد. ماجرای خواستگاری سردار خورشیدشاه (فتنه جوی) از **جوهره دختر غاب** در داستان سمک عیار، نمونه‌ای روشن از این مسئله است. خورشیدشاه در برابر اصرار فتنه جوی به خواستگاری از این دختر پاسخ می‌دهد: «من جمله کارها بتوانم کردن جز این کار که به رضای آن زن موقوف است» (الارجانی، ۱۳۶۳/ ۳: ۳۵۶). زنان در جنگ و حکومت نیز نقش‌آفرین هستند. **مردان دخت** از زنان داستان سمک عیار در جنگاوری از بسیاری از مردان دلیرتر است (همان/ ۵: ۵۵۹).

ساخت معنایی قصه و داستان بر دو اصل واقع‌گرایی و خیال‌پردازی نهاده شده‌است. آمیختگی این دو اصل، قصه را زیباتر و دلپذیر و مقبول طبع عام و خاص کرده‌است. قصه‌انگاره‌ها و تصویرهایی از زندگی مردم زمانه، شیوه کار و تولید، مناسبات میان افراد و گروه‌ها و طبقات، تضادطبقاتی و ستیزه‌جویی‌های اجتماعی، رفتار و روابط خانوادگی و خویشاوندی، گرایش‌های قومی و مذهبی، اندیشه و احساس، آداب و رسوم متداول در جامعه‌ها را به زبان ساده و به صورت‌های طنز، جدی یا هزل ترسیم و بیان می‌کند. در قصه‌های عامیانه، ساختار متن در جهت نوعی تقابل بین قهرمانی و شرارت، نیکی مطلق و پلیدی هویت پیدا می‌کند. قصه‌گو همه جا به وحدت زیبایی و حقیقت و پاکیزگی اخلاق پایبند است، شرّ به عنوان پدیده‌ای عدمی که نقصان وجود آدمی را به نمایش می‌گذارد، هیچ حقیقت پاینده‌ای را متبلور نمی‌سازد. قصه‌گو به ورای محیط تجربی‌اش نظر می‌اندازد و مخاطب را از روزمرگی دور می‌سازد (آموزگار، <https://www.cgie.org.ir/fa/news/7070>).

بیان تاریخ در قالب قصه و یا استفاده از قصه‌های تاریخی یکی از روش‌های جذاب و نوینی است که صاحب نظران بر اثربخشی آن در آموزش تاریخ تأکید دارند. اما رواج و تعمیم این روش به مقدماتی نیاز دارد که علاقه‌مند کردن معلمان به قصه‌گوئی، تجهیز آنان به فنون قصه‌گوئی و در اختیار گذاشتن وقت و منابع کافی از جمله این مقدمات است (دهستانی اردکانی، ۱۳۸۹: ۳۰). به کارگیری قصه در آموزش تاریخ سبب ایجاد تصاویر زنده در ذهن دانش‌آموزان می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۲: ۱۴). اما باید در نظر داشت که تأکید زیاد بر این شیوه آسیب‌های

جدی نیز در پی دارد. از جمله آن که قصه‌گو با ابداع شخصیت‌های تاریخی و یا نقل سخنان و رفتارهای غیرواقعی از شخصیت‌ها، مسیر روایت تاریخ را منحرف نماید و موجب شکل‌گیری برداشت‌ها و نتایج غیر تاریخی و حتی غیر علمی شود. به ویژه آن که حیطة کنش در قصه عامیانه بسیار گسترده و نامحدود است. در مجموع فولکلور کارکردهای مختلفی دارد که آشنایی با تاریخ گذشتگان، بررسی اعتقادات، مراسم دینی، آیین‌های اقوام، حکمت‌های توده و آداب و رسوم آنها (بختیاری، ۱۳۸۶: ۳۷) و کمک به بازآفرینی تاریخ اجتماعی و فرهنگی از مهم‌ترین آنهاست.

۱-۲. تاریخ و ادب پهلوانی

در این پژوهش، از میان انواع گوناگون ادبیات عامه، سه اثر مهم ادب پهلوانی انتخاب شده است. متون مزبور در توسعه دانش و فهم تاریخی ارزش زیادی دارند. یکی از کارکردهای مهم ادب پهلوانی، وجه تعلیمی آن است و هدف از آن تحوّل اخلاقی در مخاطب است (رضی، ۱۳۹۱: ۹۸، جعفرپور و علوی مقدم، ۱۳۹۲: ۱۸).

سمک عیار کهن‌ترین داستان عامیانه فارسی است که **فرامرز بن خداداد ارجانی** آن را در سده ششم به نگارش درآورد. نقل این داستان به **صدقه بن ابی القاسم شیرازی** منسوب است و ارجانی آن را کتابت نموده است. اصل این حکایت با استناد به شواهدی به تاریخ قبل از اسلام باز می‌گردد. تقریباً هیچ اثری درباره آداب و رسوم مردمان گذشته در دست نیست به همین سبب این داستان مرجع بسیار ارزشمندی برای دست‌یابی به برخی از آداب و رسوم و جامعه‌شناسی تاریخی گذشتگان است. داستان بر پایه عیاری‌های پادشاهان و گروهی از جوانمردان بنا شده است (طغیانی و پوده، ۱۳۹۶: ۳۳). داستان **سمک عیار**، علاوه بر دارا بودن ارزش‌های ادبی، اجتماعی و تاریخی نشان‌دهنده فرهنگ، اندیشه، باورها و اعتقادات مردمانی است که در عین سادگی، از تخیلی عمیق برخوردار بوده‌اند. در خلال داستان‌های متنوع و متعدد این اثر ارزشمند، مسائل مختلفی چون «آموزش کارهای نیک و مبارزه با ظلم در قالب رفتارهای گروهی به نام عیاران، که برخاسته از میان مردم بودند، گنجانده شده است» (موسائی، ۱۳۹۷: ۱۰). **سمک قهرمانی** مردمی است و از تبار شاهان نیست و حتی نمی‌خواهد بر تخت پادشاهی تکیه زند. **سمک عیار** نمونه‌ای برجسته از تفکر سیاسی گروه‌های فردوست جامعه ایران در مواجهه با قدرت است.

از شیوه نگارش کتاب دو نکته پیداست: نخست آنکه این کتاب برای آداب سخنوری پرداخته شده و به همین سبب بعضی کلمات و اصطلاحات به صورت تلفظ عامیانه آمده است. مانند **نقم** به جای **نقب**، **سرفیدن** به جای **سرفه کردن** (الارجانی/۱: ۱۱۷) **برقوام بودن** و **قوام برگرفتن** به معنی مترصد و مراقب بودن و آدمی‌گری به معنی انسانیت (همان: ۴۷). نکته دوم، وجود نام‌های خاص ترکی مانند **سماق، سنجر، قاورد و گورخان** (الارجانی/۱: ۶) است که تدوین آن را به اواخر دوران سلجوقی می‌رساند. **قهرمان داستان (خورشید شاه)** پسر شاه حلب است که تشکیلاتی مانند شاهان دوران ساسانی دارد. **خورشیدشاه** در جوانی دلباخته دختر **فغفور شاه چین** می‌شود و برای به دست آوردن او به جنگ پادشاه ماچین می‌رود. انتخاب این کشورها ظاهراً از سر تفنن و یا احتیاط مؤلف بوده با اینحال در این کتاب کوچک‌ترین نکته‌ای که ایرانی نباشد وجود ندارد. نام اماکن عموماً ایرانی و اشخاص نامبرده شده در کتاب نیز ایرانی یا ترکی است (همان).

عیاران از گروه‌های مهم و تأثیرگذار اجتماعی در دوران بعد از اسلام بودند. غالب پهلوانان و عیاران از قشر تولیدکنندگان شهری - شامل کارگران و پیشه‌وران جزء - بوده و کمتر از اشراف و یا روستائیان نشانی داریم. ارجانی در موارد متعدد به توصیف شخصیت آن‌ها می‌پردازد. از این جهت محققان کتاب **سمک عیار** را دایره‌المعارف عیاری می‌شمارند (حسام‌پور، ۱۳۹۶: ۱۲۰). آنان ویژگی‌های اخلاقی خاصی داشته و نقش بسیار مهمی در سیر حوادث و جنگ‌ها دارند: «الآ راست نتوانیم گفتن که نام به جوانمردی رفته است و ما خود جوانمردانیم اگرچه ما را عیار پیشه می‌خوانند و عیار پیشه‌الآ جوانمرد نتوان بود و

جوانمردان ازین بسیار کارها کنند و رنج‌ها کشند و جان فدای مردم دارند...» (الآرجانی/۱: ۳۸) از حوادث کتاب چنین بر می‌آید که عیاران در همه شهرها سازمان داشته و از وجود یکدیگر باخبر بودند (مؤذن جامی: ۳۳۵).

«**قصه حسین کرد شبستری**» در دوره صفویه نوشته شده‌است. به گفته مؤلف ناشناس کتاب، حسین-کرد یکی از چوپان‌زادگان و پهلوانان ایران بود. او در آغاز مهتر و شاگرد پهلوان مسیح‌تکمه‌بند تبریزی، از پهلوانان دربار شاه‌عباس یکم صفوی، بود. حسین‌کرد پس از اختلاف با همسر مسیح، تبریز را ترک می‌کند و در اصفهان به جمع پهلوانان شاه عباس می‌پیوندد. زمانی که حسین‌کرد مالیات هفت‌ساله ایران را از پادشاه هند گرفت و به دربار شاه آورد، خلعت یافت و از نزدیکیان شاه شد. جایگاه او در میان پهلوانان شاه عباس همچون جایگاه رستم در جمع پهلوانان شاهنامه است. قصه حسین‌کرد یکی از قصه‌های مورد پسند مردم ایران بوده و در قهوه‌خانه‌ها و گذرگاه‌ها نقل می‌شده‌است. این داستان در مرز بین واقعیت تاریخی و افسانه قرار دارد (محبوب: ۱۱۶). اشارات و نام بردن از مکان‌های تاریخی و حوادث دوره صفوی مانند درگیری با عثمانی و ازبکان محور اصلی داستان را تشکیل می‌دهد. سفرهای حسین‌کرد در داخل ایران به عقیده برخی محققان یادآور اقدامات شاهان بزرگ صفوی مانند شاه اسماعیل یکم و شاه عباس یکم است (آتش سودا، ۱۳۸۶: ۲۵). در این قصه می‌توان گنجینه‌ای ارزشمند از ویژگی‌های زبانی، فرهنگی و اجتماعی مردم ایران در زمان روایت داستان را یافت. قصه حسین‌کرد شبستری داستانی بسیار بلند است، در حدی که معمولاً به صورت کنایه از پرگویی افراد استفاده می‌شود. داستان ساده دلی حسین‌کرد در جوانی که در گفتگو با مسیح، قند را از کشک تمیز نمی‌داد و حکایت زور و بازو او از جمله مطالب ابتدائی کتاب است (ناشناس، ۱۳۸۴: ۲-۳). با اینحال برخی از اطلاعات این کتاب دقیق و منحصر بفرد است مانند ترتیب پذیرفتن سفرای خارجی در دوره شاه عباس، شیوه پاسداری از شهرها، وضع قهوه‌خانه‌ها، خانه‌های عیش و عشرت، شیروی و دزدی‌های شبانه، بهره‌گیری دولت صفوی از مردم بی‌سواد و بزن بهادر برای محافظت شهرها و کارهای مهم مملکتی (حصوری و مارزلف، ۱۳۹۳/۱۳: ۶۲۳۸). به‌کار بردن لقب **تهمتن** برای پهلوانان ایرانی داستان و از جمله حسین‌کرد که یادآور کاربرد این کلمه در مورد رستم در شاهنامه می‌باشد، دلالت بر توجه خاص نویسنده داستان به سنت‌های ایرانی است. (Marzolph, 1999: 289) از لحاظ تاریخی داستان در فضایی آشنا برای ستایش از یک قهرمان محلی بهره می‌برد. از نظر روان‌شناختی هیچ‌یک از قهرمانان داستان ویژگی بارزی ندارند جز قهرمان اصلی که از مشخصات ظاهری و بلوغ اجتماعی خاصی برخوردار است. او در عین بی‌سوادی در امور جنگی و مناسبات اجتماعی لیاقت بسیاری دارد. شخصیت او در سراسر داستان ثابت است و نمونه‌ای بارز از یک قهرمان است.

در داستان‌های عامیانه برخلاف تواریخ رسمی آمال‌ها و آرزوهای توده مردم و گروه‌های فرودست اجتماعی در برابر رفتارهای نابخردانه و ستمکارانه حاکمیت مجال بروز می‌یابد. مثلاً زمانی شاه عباس قصد دستگیر کردن حسین‌کرد را می‌نماید زیرا او لباس شاه (که دارای تقدس است) را به یوسف نامی داده و یوسف با آن لباس در مجلس بزمی رقصیده بود، حسین بدون واژه در روی شاه‌عباس ایستاده و می‌گوید: «ای شاه عباس! اگر موئی از سر یوسف کم بکنی، یک شب دیگر بالای سرت می‌آیم و سر تو را می‌برم» (ناشناس: ۸۸). در اعمال عیاری حسین‌کرد و سایر پهلوانان این داستان، الگوبرداری از شاهنامه فردوسی به روشنی پیداست با این تفاوت که، در این داستان انگیزه‌های مذهبی جایگزین انگیزه‌های ملی‌گرایانه شده است. (آتش سودا: ۱۲) این امر نشانه تحول عمده جامعه در عصر صفوی به یک جامعه کاملاً مذهبی است. تا جایی که مؤلف مدعی است که نسب حسین‌کرد به امیرالمؤمنین می‌رسد. (ناشناس: ۶۷) البته کتاب از برخی احساسات ملی‌گرایانه یاد می‌کند. «تمام شد کتاب شیرین عبارت یگانه فرزند غیور ایران، حسین‌کرد شبستری» (همان: ۲۲۱). سادگی نثر و استفاده از واژگان و اصطلاحات عامیانه که همین امروز هم کاربرد دارند از دیگر شاخصه‌های این کتاب است: «از این مرد جَلَب بگذر»

(ناشناس: ۱۰۲) «صدای شرق شرق شمشیر به افلاک رسید» (همان: ۲۱) «دید ضعیفه ای گریه می کند» (همان: ۱۱۱).

امیرارسلان نامدار و فرّخ لقا از مشهورترین قصه‌های عامیانه به زبان فارسی است. این داستان را **میرزا محمدعلی نقیب‌الممالک**، قصه‌گوی ناصرالدین‌شاه قاجار برای وی می‌گفت و در این هنگام **فخرالدوله**، دختر ناصرالدین‌شاه پشت در نیمه‌باز اتاق خواجه‌سرایان می‌نشست و ماجراها را با دقت مکتوب می‌کرد و برای آن‌ها نقاشی می‌کشید. در حقیقت داستان امیر ارسلان این‌گونه برجا مانده است (محبوب: ۴۸۸). قصه امیر ارسلان نامدار آخرین قصه عامیانه فارسی با ویژگی‌های قصه‌های کهن است. در این قصه، بیشتر ویژگی‌های قصه‌های عامیانه فارسی به ویژه جادو، بازتاب یافته است. حوادث این قصه از نظر مکانی در دو محدوده متفاوت رخ می‌دهد. بخش اول که کمتر حوادث جادویی دارد در سرزمین آدمیان اتفاق می‌افتد اما بخش دوم که شاید بتوان آن را بخش اصلی قصه دانست در مملکت پریزاد رخ می‌دهد. نکته مهم در این قصه جنسیت جادوگران است که برتری با جادوگران مرد است (جهانشاهی افشار و جهادی حسینی، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

امیرارسلان شاهزاده‌ای است دلیر و جوانمرد که شیفته دختر پادشاهی به نام فرّخ لقا می‌شود و در جست‌وجوی او به دیار فرنگ می‌شتابد. شاه فرنگ دو وزیر ماهر در رمل و اسطرلاب به نام **شمس وزیر** و **قمر وزیر** دارد که شمس با امیر ارسلان موافق و قمر با او مخالف است. بر اثر شرارت‌های قمر وزیر، فرّخ لقا به دست دیوان و غفیرت‌ها گرفتار و امیرارسلان برای نجات او راهی سرزمین جادو می‌گردد. امیر ارسلان نامدار بعد از سختی‌ها و جنگ و ستیز فراوان به مراد دل خویش می‌رسد. بیان مسائل خارق‌عادت در داستان کم نیست (نقیب‌الممالک، ۱۳۸۶: ۲۰۵-۲۰۶). زبان طنز و پر از شیطنت و شوخ‌طبعی در گفت‌وگوهای شخصیت‌های مختلف داستان به کار گرفته شده و متن را برای مخاطب دوست‌داشتنی کرده است. «فرزند! عاشقی اینقدر گریه ندارد از دیروز تا به حال خودت را هلاک کرده‌ای از دیروز تا به حال نصف باقی نمانده است» (همان: ۷۲).

داستان امیر ارسلان محصول یکی از دوران‌های نابسامان و پر آشوب تاریخی ایران، دوره قاجار، است. در آن دوره حسّ شکست از اقوام بیگانه، دیکتاتوری و استبداد حاکمان لایه‌های عمقی روان مردم را به لرزه آورده بود (یاوری، ۱۳۸۷: ۸۳). برخی این داستان را آئینه زمان خود دانسته که در آن پطروس شاه فرنگی همان ناصرالدین‌شاه و شمس وزیر و قمر وزیر رجال دربار او و فرّخ لقا نمادی از زنان طبقه اشراف (محبوب: ۲۰۱) می‌باشند. برخی نیز این داستان را ژانری تاریخی مربوط به آلب ارسلان سلجوقی و فتوحات او در نبرد با مسیحیان دانسته که در گذر ایام به ژانری داستانی و رمانسی مذهبی-عاشقانه با بن مایه‌های سحر و جادو تبدیل شده است.

۲-۲. ادب پهلوانی و آموزش تاریخ

درس تاریخ به جهت تأکید بر محفوظات، استفاده افراطی از روش سخنرانی، مشکلات ساختاری و گاه محتوایی کتاب درسی تاریخ از جاذبه اندکی برای تدریس برخوردار است. فراگیران غالباً از ملال آور بودن موضوعات تاریخی یاد می‌کنند. بنابراین مدرس تاریخ بایستی در پی یک روش مناسب برای آموزش باشد. ویژگی‌های یک روش مناسب برای آموزش تاریخ را می‌توان چنین بیان کرد:

«روش تدریس باید موجب علاقه دانش‌آموزان به درس تاریخ شود. روش تدریس باید در میان

دانش‌آموزان ارزش‌های، مفید رفتار صحیح و عادت کاری را نهادینه کند. روش تدریس خوب باید

تغییری از جهت تأکید بر شفاهی بودن و یادسپاری به سمت یادگیری از طریق موقعیت‌های هدفمند، عینی و واقع‌گرایانه ایجاد کند. همچنین باید تجارب معلم را با موقعیت کلاسی حقیقی ترکیب کند و... علاقه دانش‌آموزان را بیدار سازد و آن‌ها را توانمند سازد تا تحلیل‌های متفاوتی از وقایع تاریخی به عمل آورند» (احمدی، ۱۳۹۷: ۲۹).

استفاده از روش‌های متعدد موجب تعمیق فهم فراگیران از درس تاریخ می‌شود. روش پروژه، ایفای نقش، روش حل مسئله، روش منبع‌محور، تکلیف‌محور، روش داستان‌گویی و نقلی از جمله روش‌های تدریس متناسب با متون ادب پهلوانی است.

روش ایفای نقش از جمله شیوه‌های تدریسی است که معلم تاریخ با استفاده از متون ادبیات عامه می‌تواند از آن بهره‌گیرد. ایفای نقش یا بازیگری، اجرای نقشی است که هدف آن بر اساس تصمیمات قبلی تعیین شده باشد، مانند بازنمایی صحنه‌های قدیمی و تاریخی، بازسازی حوادث اجتماعی و موقعیت‌های خیالی و داستانی. از آنجا که روش نمایش بر اساس مشاهده و دیدن استوار است، دانش‌آموزان در کلاس، مهارت‌های خاصی را از طریق مشاهده و دیدن فرا می‌گیرند. ابتدا، معلم عملاً جریان تاریخی یا هر موضوع دیگر را بازسازی می‌کند و آن‌گاه از فراگیران می‌خواهد که چنین کاری را به صورت انفرادی یا گروهی انجام دهند (صفوی ، ۱۳۷۹: ۲۸۸). این روش به تجسم عینی موضوعات تاریخی کمک می‌کند. دانش‌آموزان با بروز احساسات خود و دخالت دادن نگرش و بینش خود به مهارت حل مسئله دست یافته و مواد درسی را از منظر جدید و متناسب با درک خود دریابند. **الگوی بدیعه پردازی یا افزایش تفکر** رویکرد جالبی است که برای رشد خلاقیت از طریق بازی‌های نمایشی در آموزش و تدریس تاریخ می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و می‌تواند مبنای نظری روش بازسازی تجربیات گذشته در تاریخ باشد.

درس ۴ کتاب تاریخ ۳ از جمله دروسی است که معلم می‌تواند با الگوی ایفای نقش و براساس داستان امیر-ارسلان نامدار آن را تدریس نماید. در بخش بیشتر بدانیم توضیحی در مورد **لوطیان** به عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی مؤثر در تاریخ ایران آمده است. (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۹۷: ۴۹) معلم جهت تعمیق یادگیری دانش‌آموزان، با شش گام و روش ایفای نقش یا نمایشی، جایگاه گروه‌های لوطی و پهلوان در تاریخ دوره قاجار را بازنمایی می‌کند. در گام نخست معلم به بیان مسئله، تفسیر داستان امیر ارسلان و توضیح نقش‌ها می‌پردازد. در گام دوم به گزینش بازیگر و شرح وظایف آنان می‌پردازد، توجه به تفاوت‌های فردی و میزان شناخت معلم از ویژگی‌های روانی دانش‌آموزان در انتخاب نقش‌ها به او کمک می‌کند. در گام سوم معلم صحنه نمایش را تشریح و وسایل، لباس‌ها و شیوه آماده‌سازی صحنه را برای دانش‌آموزانی که برای اینکار انتخاب شده‌اند، بیان می‌کند. در گام چهارم نمایش براساس صفحات منتخب از متن کتاب امیر ارسلان که ارتباط معنایی با موضوع پهلوانی و زورآوری دارد، اجراء می‌شود. در گام بعدی بحث و ارزشیابی و بیان نقاط قوت و ضعف نمایش در کلاس صورت گرفته و در گام آخر در صورت امکان، نمایش اصلاح و دوباره اجراء می‌شود.

یادگیری پروژه محور فعالیت‌های پیچیده‌ای هستند براساس سئوالات یا مسائل چالش برانگیز که دانش‌آموزان را درگیر کار طراحی، حل مسئله، تصمیم‌گیری، و فعالیت‌های تحقیقی می‌کند. این روش به دانش‌آموزان فرصت کار نسبتاً مستقل داده و در پایان منجر به تولیدات یا ارائه‌های واقع‌گرایانه می‌شوند. (Jones &

47: 1997) هدف از شیوه پروژه محور، به کارگیری آموخته های دانش آموزان در موقعیت واقعی، تلفیق منابع اطلاعاتی گوناگون و طرح مسائل مرتبط با موضوع یادگیری است. درس «تحولات سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفوی» (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۹۹: ۱۳۵-۱۴۷). یکی از دروس تاریخ مدارس است که می توان با روش یادگیری پروژه محور و براساس کتاب حسین کرد شبستری تدریس نمود. معلم ضمن توضیح در مورد تشکیلات بازار و صورتبندی اصناف و نظارت بر کار مشاغل در دوره صفوی و مشابهت ها و تفاوت های آن با بازار در دنیای امروز بخش هایی از کتاب حسین کرد که در مورد بازار و اصناف آن است (ناشناس: ۱۳-۱۷) را برای دانش آموزان می خواند، طرح مسئله نموده و از دانش آموزان می خواهد با رعایت چارچوب علمی انجام پروژه شامل طرح مسئله، مشاهده میدانی، تهیه فیلم و عکس و یا مصاحبه، پروژه های ارائه دهند. در این روش معلم ضمن توضیح مراحل اجرای پروژه و معرفی منابع اصلی این پژوهش، هماهنگی و برنامه ریزی لازم با سازمان های مرتبط با موضوع را انجام داده و شیوه ارائه گزارش و زمان بندی انجام پروژه را مشخص می کند.

یکی از مهم ترین مهارت هایی که دانش آموزان در درس تاریخ بایستی یاد بگیرند مهارت استفاده از منابع است. در این روش از فراگیران انتظار می رود که تاریخ را با کمک مواد و منابع تاریخی مطالعه کنند. در روش منبع محور، معلم پس از گروه بندی دانش آموزان، کتاب را در اختیار آنان قرار داده و با مشخص کردن صفحاتی از کتاب که در آن به مناصب و مشاغل دوره صفوی اشاره شده (ناشناس: ۶۷-۷۴) از آنان می خواهد تا با خواندن این بخش کتاب و مقایسه آن با جدول مناصب کتاب (ص ۱۴۳) در مورد مناصب عصر صفوی گزارشی تهیه کنند. «گسترش تفکر نقاد با استفاده از منابع و اعتباربخشی به یافته های تاریخی، شکل دهی به قضاوت مستقل دانش آموز از طریق تجزیه و تحلیل و نقد منابع، ایجاد جو مناسب تا مردم و وقایع تاریخی را برای دانش آموزان واقعی کنیم، تقویت قوه تخیل دانش آموزان برای بازسازی گذشته، توسعه و گسترش علاقه به مطالعه تاریخ در جهت درست و مناسب» (Kochhar, 2009: 230) از جمله پیامدهای آموزشی استفاده از منابع ادبی و تاریخی در تدریس است.

روش نقالی و روایتگری سنتی تاریخ (خیراندیش، ۱۳۹۰: ۲-۵) هنری دیرینه است و از دیرباز عامه مردم با آن ارتباط برقرار کرده و از آن لذت می بردند و درعین حال با داستان های ملی و مذهبی انس می یافتند. این شیوه موجب خوانش صحیح متون و همدلی و علاقه مندی دانش آموزان به تاریخ و فهم بهتر آنان می شود. معلم و یا یکی از دانش آموزانی که دارای قدرت و طنین صدای مناسبی است بخش هایی از کتاب که با موضوع تدریس تناسب دارد، می خوانند، البته نقال باید با روحیه و خلق و خوی دانش آموزان آشنا باشد و بداند که چه زمان ارتباط آنان با داستان قطع شده است، تا با استفاده از فنون سخنوری آنان را دوباره متوجه داستان کند. باید بداند که در کجا صدایش فراز یا فرود یابد، روی چه کلمه هایی تأکید کند و نیز بتواند تا حد ممکن ارتباط یک طرفه را شکسته و دانش آموزان را در فرایند کلاس و اجرای داستان شرکت دهد (رسولی مهربانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۸). شیوه بیان این متون با گذشت قرون متمادی هنوز دارای جذابیت شنیداری قابل توجهی است: «در شهر حلب پادشاهی بود با کمال و با بختی جوان و رعیتی فراوان و لشکری مهربان و به گنجی آبادان و به طالع قوی و بخت فرخ نام آن پادشاه نیک انجام خوب فرجام مرزبان شاه بود...» (الآجانی/۱: ۱) و یا: «اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین گفتار و خوشه چینان خرمن سخندانی و...» (نقیب الممالک، ۱۳۸۸: ۷) تقویت روحیه وطن دوستی و اخلاق مداری، گسترش دایره واژگانی دانش آموزان و ایجاد ارتباط افقی میان متون درسی از مهم ترین اهداف این شیوه است. داستان گوئی به فراگیران کمک می کند تا «به شکلی مؤثر، ذهنی و تأملی» با موضوعات تاریخی برخورد کنند و یکی از ابزارهای مهم در «یادگیری فعال» در درس تاریخ است (بوث، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

استفاده از این شیوه‌ها در تدریس تاریخ دارای پیامدهای مثبتی است. با این روش فراگیران می‌توانند شرایط تجربی حاکم بر یک واقعه تاریخی را بازسازی کنند و از میزان انتزاعی و مجرد بودن موضوعات درسی تاریخ، که فهم آن را برای دانش‌آموزان دشوار می‌کند، کاسته می‌شود. این شیوه‌ها باعث بهبود مهارت‌ها و توان تحلیل‌گری دانش‌آموزان می‌گردد (شکاری، ۱۳۸۲: ۳۵). دانش‌آموزان فعالانه در فرآیند یادگیری درگیر می‌شوند و به جذب اطلاعات می‌پردازند. یادگیری فعال، یادگیری خلاق و یادگیری اجتماعی سه سطح یادگیری مؤثری است که از این شیوه‌های تدریس به دست می‌آید.

فقر تفکر، یکی از مهم‌ترین مشکلات دانش‌آموزان در درس تاریخ است. این امر نتیجه حاکمیت روش‌های سنتی در مدارس می‌باشد. تحقیقات انجام شده در این زمینه بیانگر آن است که: «هنوز بسیاری از معلمان، بیشترین زمان کلاس خود را صرف ارائه مطالب یا شرح سؤال‌هایی می‌کنند که صرفاً جمع‌آوری مجدد حقایق ساده علمی است و فقط یک درصد از زمان صرف شده در کلاس درس را به سؤال‌هایی اختصاص می‌دهند که به پاسخ متفکرانه نیاز دارند» (شعبانی، ۱۳۸۱: ۳۱۵). از سوی دیگر آموزش تاریخ همانند علم تاریخ که علاوه بر تاریخ سیاسی به عرصه‌های متنوعی چون تاریخ فرهنگی، اجتماعی، تاریخ خرد وارد شده، در حال تجربه عرصه‌های جدیدی است. شناخت روحیات و خلیات مردم در گذر تاریخ یکی از این عرصه‌ها است. داستان‌های تاریخی غالباً آئینه تمام‌نمای زندگی مردم در گذشته بوده که بیان و تبیین آن موجب عینی‌تر شدن و جذاب شدن درس تاریخ می‌شود. داستان‌های ادبیات عامه هر ملت و قومی، بیانگر سرچشمه‌های پژوهش در حیات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی آن قوم و ملت است. معلم تاریخ با استفاده از متون ادب عامه می‌تواند دورنمایی از روحیات ملی مردمان گذشته این سرزمین ارائه دهد. مثلاً با بازخوانی گوشه‌هایی از داستان سمک عیّار، مبانی ظلم ستیزی و تخلق به اخلاق جوانمردی را توصیف کند: «ای خورشیدشاه در میدان آی پنداری که در جهان مرد تو آمدی مرد منم نه تو جهان پهلوان منم نه تو» (الارّجانی، ۲: ۲) همچنین می‌توان با طرح سئوالاتی تفهیمی به گسترش فهم و افق دید دانش‌آموزان کمک کند. مثلاً: توسل به جادو و جنّ و پری در داستان امیر ارسلان نامدار برای جامعه ایرانی که در حال گذار بود و افکار نو و تجددگرائی را تجربه می‌کرد چه معنایی داشت؟ «من مرجانه بانو دارم و دختر ریحانه هستم. مادر من چنان ساحری است که اگر لب برهم زند زمین و آسمان به هم دوخته و همان است که به صورت ازدها شد و تورا گرفت» (نقیب الممالک: ۶۳۶).

یکی از لوازم اصلی تفکر تاریخی، تلاش برای شکل‌گیری فهم تاریخی در فراگیران است. علمای تعلیم و تربیت سه سطح از فهم را در تدریس تاریخ بیان می‌کنند:

۱- فهم به مثابه بازنمایی ذهنی رخدادها و جوامع در گذشته. این امر شامل آگاهی از ساختارها و فرایندهایی زیر بنایی است که تشکیل دهنده یک جامعه خاص یا دوره تاریخی معین، تعامل‌های پیچیده میان افراد و گروه‌های اجتماعی و محیط اطرافشان و دگرگونی‌های اساسی یا نقاط عطف هستند. (بوث: ۲۹)

۲- فهم به مثابه بازنمایی ماهیت و اهمیت زندگی مردمان در گذشته. «تاریخ راهی است که می‌توانید در آن نسخه ثانوی همه انواع رفتارهای انسانی را تجربه کنید... مهم‌ترین مسئله در زندگی همانا فهم رفتار دیگران است و این همان چیزی است که تاریخ ما را بر آن توانا می‌سازد، مشاهده مردم در تمام موقعیت‌ها و در تمامی گام‌های زندگی» (همان: ۳۱).

۳- فهم به مثابه قابلیت استفاده از تکنیک‌ها، رویه‌ها و مفاهیم رشته‌ای. این به معنی «فرآیند پیوند دادن شواهد مختلف از منابع دست اول و ثانوی... آگاهی از معنای یک مفهوم یا کنش خاص... توانایی فرد برای به کارگیری منعطف و متناسب آن معنا در پرداختن به مسائل تاریخی...» می‌باشد (همان: ۳۳) نتیجه این سطح فهم، «تسلط بر تفسیرهای مختلف و تاریخ‌نگاری یک موضوع و در پی آن، درک ماهیت پویا و در حال رشد رشته

تاریخ... و اینکه وصول به فهم مستلزم شناخت و کاربرد درست لوازم و ابزارهای پژوهش « است. (Booth, 2000: 47)

در مجموع می‌توان گفت، ادبیات عامه و ادب عیاری، به دلیل ویژگی و ساختار زبانی و ادبی و جذابیت محتوایی این ظرفیت را دارد که در کنار کتاب‌های درسی به فهم بهتر دانش‌آموزان کمک کند. علاوه بر این، یکی از رویکردها و اهداف اصلی درس تاریخ، ایجاد نگرش مطلوب در طرز تفکر دانش‌آموزان و کسب مهارت‌های ذهنی است تا دانش‌آموزان عواطف، نگرش‌ها، احساسات، باور و اعتقادشان در خصوص جامعه هدایت و تقویت شود. متون ادب عیاری در این زمینه و پرورش اخلاقی فراگیران بسیار تأثیرگذار است.

۳. نتیجه

آموزش تاریخ در مدارس با مشکلات مختلفی مواجه است. بی‌انگیزه‌بودن دانش‌آموزان، خستگی از محتوای درسی، تأکید افراطی بر شیوه تدریس سنتی مبتنی بر سخنرانی و انفعال دانش‌آموزان در کلاس از جمله این مشکلات است، همچنین آموزش و تدریس تاریخ با توجه به ضرورت‌ها و تحولات اجتماعی نیازمند بهره‌گیری از منابع و شیوه‌های متنوعی می‌باشد که ادبیات عامه و ادب عیاری یکی از منابع و شیوه روایتگری و ایفای نقش در تدریس از جمله این عرصه‌ها است.

توجه به ارزشمندی روایت‌گری سنتی در تدریس تاریخ و توجه به تاریخ اجتماعی، تاریخ فرهنگی و به ویژه تاریخ فردوستان یا همان تاریخ موجب بالا رفتن ظرفیت، پویایی و آزادی عمل در آموزش تاریخ به ویژه در میان دانش‌آموزان می‌شود. بنابراین در پاسخ به پرسش پژوهش که چگونه می‌توان با استفاده از ادب پهلوانی تدریس مؤثری در درس تاریخ داشت؟ باید گفت یکی از روش‌ها و ابتکارات معلم تاریخ بازسازی روش روایتگری سنتی و نیز بهره‌گیری از شیوه‌های ایفای نقش و بدیعه پردازی، شیوه پروژه محور و منبع محور است. متون ادب پهلوانی و عیاری که در مقاله به آن اشاره شد از یک سو قابلیت اجراء با روش‌های گفته شده را دارد و از سوی دیگر بیان ساده و اطلاعات عمیق اجتماعی و فرهنگی آن می‌تواند به فهم تاریخی دانش‌آموزان کمک کند.

منابع

- احمدی، طاهره و احمدی، غلامعلی (۱۳۹۷). «آموزش تاریخ ضرورت‌ها و شیوه‌های نوین»، *رشد آموزش تاریخ*، پائیز، دوره ۲۰، شماره ۱، پیاپی ۶۹، صص ۲۶-۳۱.
- الارّجانی، فرامرز بن خداداد بن عبدالله (۱۳۶۳). *سمک عیار* (۵ج)، به کوشش پرویز ناتل خانلری، تهران: آگاه.
- آتش سودا، محمدعلی (۱۳۸۶). «بررسی ساخت داستان عامیانه حسین کرد شبستری»، *ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی*، پائیز، سال ۳، شماره ۸، صص ۹-۵۰.
- بوث، آلن (۱۳۹۴). *آموزش تاریخ در دانشگاه، ارتقای سطح و یادگیری و فهم*، ترجمه سید محسن علوی پور، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و دانشگاه فرهنگیان.
- بختیاری، محمدرضا (۱۳۸۶). *فولکلور و ادبیات عامیانه*، ارومیه: ادیبان.
- پورت، اندرو. ای (۱۳۹۷). «تاریخ از پائین، تاریخ زندگی روزمره و تاریخ خرد»، ترجمه سیده فاطمه یاحسینی، *تاریخ شفاهی*، پائیز و زمستان، سال ۴، شماره ۲، پیاپی ۸، صص ۴۰-۵۸.

- جعفرپور، میلاد و علوی مقدم، مهیار (۱۳۹۱). «ساختار بن مایه های داستانی امیرارسلان»، **متن شناسی ادب فارسی** (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، تابستان، دوره ۴۸، شماره ۲، صص ۳۹-۶۰
- جهانشاهی افشار، علی و جهادی حسینی (۱۳۹۶). «جادو و جادوگری در قصه امیر ارسلان نامدار»، **فرهنگ عامه**، بهمن و اسفند سال ۵، ش ۱۸، صص ۱۰۵-۱۳۰
- حسام پور، سعید (۱۳۹۶). «شیوه قصه گوئی در سمک عیار و مقایسه آن با سه داستان عامه عیاری»، **فرهنگ و ادبیات عامه** (ویژه نامه قصه شناسی)، بهار، سال ۵، شماره ۱۲، صص ۱۱۱-۱۳۸
- حصوری، علی، مارزلف، اولریش (۱۳۹۳). «حسین کرد شبستری»، **دانشنامه جهان اسلام**، ج ۱۳، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۹۰). «روایتگری سنتی در جامعه ایرانی و امکان بهره گیری از آن در آموزش تاریخ»، **رشد آموزش تاریخ**، پائیز، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۱-۳
- دهستانی اردکانی، نرگس (۱۳۸۹). «نگاهی به نقش آموزشی قصه در برنامه درسی دوره ابتدائی»، **رشد آموزش ابتدائی**، اردیبهشت، دوره ۱۳، شماره ۸، صص ۲۹-۳۱
- رسولی مهربانی، رادمان و امیرحائری، مصطفی و ابوالقاسمی، مهدی (۱۳۹۸). «روش معلّمی نقلی برای آشنا کردن دانش آموزان دوره متوسطه اول با شاهنامه»، **رشد آموزش زبان و ادب فارسی**، دوره ۳۲، شماره ۳، بهار، صص ۷۵-۸۰.
- رضی، احمد (۱۳۹۱). کارکردهای تعلیمی ادبیات فارسی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال ۴، ش ۱۵، پائیز، صص ۹۷-۱۲۰
- سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (۱۳۹۹). تاریخ ۲، از بعثت پیامبر اسلام تا پایان دوره صفویه، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- _____ (۱۳۹۷). تاریخ ۳، ایران و جهان معاصر، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- شریف‌نسب، مریم (۱۳۹۴). «تقابل های دوگانه در داستان های عامه»، **فرهنگ و ادبیات عامه**، پائیز و زمستان، سال ۳، شماره ۶، صص ۱-۲۰
- شعبانی، حسن (۱۳۸۱). **مهارت های آموزشی و پرورشی** (روش ها و فنون تدریس)، تهران: انتشارات سمت.
- شکاری، عباس (۱۳۸۲). «مطالعه تطبیقی روش تدریس سخنرانی با روش ایفای نقش در تدریس تاریخ»، **کتاب روش**، زمستان، پیش شماره ۱، صص ۳۰-۳۸
- صفوی، امان الله (۱۳۷۹). **روش ها و فنون تدریس**، تهران: معاصر.
- طغیانی، اسحاق و پوده، آزاده (۱۳۹۶). «تأملی در آداب و رسوم داستان سمک عیار»، **متن شناسی ادب فارسی** (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، پائیز، شماره ۳، پیاپی ۳۵، صص ۳۳-۴۷
- فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۰). «فرهنگ عامه و ادبیات عامیانه»، **کتاب ماه هنر**، آذر و دی، شماره ۳۹-۴۰.
- کریمی، محمدحسین و حسام پور، سعید (۱۳۸۴). «تصویر و جایگاه زن در داستان های عامیانه سمک عیار و داراب نامه»، **فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**، بهار، دوره ۲۲، شماره ۱، پیاپی ۴۲، صص ۱۲۵-۱۳۶

محبوب، محمد جعفر (۱۳۸۷)، ادبیات عامیانه ایران: افسانه ها و آداب و رسوم مردم ایران (ج ۱ و ۲)، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: نشر چشمه، چ ۴.

معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران: ادنا، چ ۴.

مؤذن جامی، محمد مهدی (۱۳۸۸). ادب پهلوانی: مطالعه ای در تاریخ ادب دیرینه ایرانی از زرتشت تا اشکانیان، تهران: ققنوس.

موسائی، رقیه (۱۳۹۷). «سمک عیار روایتی کهن از ادبیات عامیانه»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، بهار، شماره ۱۲۳. صص ۹-۱۲

میرصادقی، میمنت (۱۳۷۷). واژه نامه هنر داستان نویسی (فرهنگ تفصیلی اصطلاح های ادبیات داستانی)، تهران: انتشارات مهناز.

ناشناس (۱۳۸۴). حسین کرد شبستری، به کوشش علیرضا سیف الدینی و مقدمه امیر حسین زادگان، تهران: ققنوس.

نقیب الممالک، محمد علی (۱۳۸۸). امیر ارسلان نامدار و ملکه فرخ لقا، به کوشش رزمی پور، تهران: انتشارات جاجرمی.

نوروزی، جمشید (۱۳۸۲). «آموزش تاریخ از طریق قصه گوئی»، رشد آموزش ابتدائی، آبان، دوره ۷، شماره ۲.

هدایت، صادق (۱۳۷۸). فرهنگ عامیانه مردم ایران، گردآورنده جهانگیر هدایت، تهران: نشر چشمه، چ هشتم.

یاوری، حورا (۱۳۸۷). روان کاوی و ادبیات، تهران: سخن.

Booth, Alan (2000), **Creating a context to enhance learning in history**, The Practice of University History Teaching, Manchester University Press.

Jones, B. F., Rasmussen, C. M., & Moffitt, M. C. (1997). **Real-life problem solving : A collaborative approach to interdisciplinary learning**. Washington, DC: American Psychological Association.

Kochhar, s.k. (2009). **teaching of history**. new delhi: printed and published by sterling publishers Pvt. Ltd, 9

Marzolph, Ulrich (1999) "A treasury of formulaic narrative: the Persian popular Romance Hosein-e Kord", Oral tradition, Vol 14.

Lapore, Jill (2001), **Historians who love too much: reflections on microhistory and biography**. The journal of American History, vol 88, no 1

آموزگار، ژاله، نقش و کاربرد قصه در ادب فارسی، در:

<https://www.cgie.org.ir/fa/news/7070>